

فقط برای جوانان در رمضان

للشباب فقط في رمضان

نویسنده:

شیخ محمد الدویش

ترجمه:

زیر نظر مکتبه الأنصار



سنی بوک – کتابخانہ مجازی اہل سنت

www.SunniBook.net

بسم الله الرحمن الرحيم
به نام خداوند بخشنده مهربان

برادر جوانم:

السلام عليكم والرحمة الله وبركاته وبعد:

* چند روزی بیش نیست که به استقبال ماه مبارک رمضان رفته ایم و یا در انتظار فرارسیدن آنیم: و این بدان معناست که ما و شما چیزهای فراوانی برای گفتن و دانستن داریم، و لا بد تو نیز مانند سایر برادران مسلمانان از فرارسیدن این ماه پربرکت خوشحالی.

* برادر فاضلم خوشحالم در این ماه بابرکت فرصتی پیش آمده که با صراحت و بی پرده چون پرتو آفتاب با تو به سخن نشسته، و گرانبهاترین و گرامی ترین چیزهایی که در اختیار دارم به تو تقدیم نمایم.

* براستی که رگ گفتن و صراحت شاید طعم تلخی داشته باشد، ولی نتیجه اش بسیار شیرین و گوار است و همه مان طعم تلخ پرده بر عیب نهادن را چشیده و شومی پنهان نمودن خطاها را بخاطر مراعات دوستی و تعارف درک نموده ایم.

پرهیزگاری است و لیکن!

* برادر جوانم، منظریست در رمضان که بسیار شاهد آنیم: جوانی را می‌بینیم غرق در منجلاب شهوات و بی‌پروا در ارتکاب بدترین و بزرگترین گناهان و بی‌اعتنا به اساسی‌ترین و آشکارترین عبادات.

باز همین جوان را می‌بینیم در این ماه مبارک در پی دانستن مسائل خرد و زیر نماز و روزه است مانند این که: هنگام وضو چند قطره خون ناخودآگاه از بینی اش خارج شده، آیا این در وضو اثر دارد؟ و یا هنگام عبور از خیابان غباری به دهانش رفته است، حکم آن چیست؟ وی در طرح این سؤال خود بسیاری جدی است، و حتی اگر بر وی قضا و کفاره‌ایی آید برای پذیرفتن آن آمادگی کامل دارد.

برادر عزیزم! سؤال نمودن در باره مسائل عبادت که گاهی انسان با آن برخورد می‌نماید چیز ارزنده‌ایست و کسی حق ندارد که آن را رد نماید و مبتلا بودن فرد به گناه، حق وی را در اهتمام دادن و پرسش در باره طاعات و عبادات سلب نمی‌کند.

* و لیکن آیا با من موافق نیستی که افرادی امثال این جوان در تناقضی بسر می‌برند که به مشکل می‌توان برای آن تفسیری یافت؟ پس چرا در باره پرسش و عنایت به این احکام زهد و پرهیزگاری بخرج داده در حالیکه دانسته و عمداً مرتکب اعمال حرام حتی که گناهان کبیره می‌شود؟!.

نظم و پابندی عجیب

بعضی از جوانان هنگامی که وی را از انجام کار بد نهی کرده به کارهای نیک فرا می‌خوانی، می‌گوید: وی به آنچه به او می‌گوئی قناعت تام دارد، و لیکن خواهشات نفس بر وی چیره شده و نمی‌توند خود را کنترل نماید، در وهله اول این عذر وی منطقی بنظر می‌رسد، ولی چون در حالت وی در رمضان نیک نظر کنیم، منطقی دیگر نمایان است. به محض این که اذان فجر فرا می‌رسد می‌بینی که دست از خوردن برمی‌دارد ولو این که دیر از خواب بیدار شده و لقمه ای در دستش باشد، و هنگام افطار و بر سفره سعی ندارد پیش از آن که اذان را بشنود دست به سوی سفره دراز نماید، و هنگام روز هرچند که تشنگی و گرسنگی بر وی فشار بیاورد هرگز به این فکر نمی‌افتد، دیوار روزه را بشکند و به حریم آن

تجاوز کند. آیا این رفتار را نمی‌بینی، و بی‌گمان رفتار نیکویی است و دلالت بر آن ندارد که او قادر به کنترل و غلبه بر شهوات خویش است؟ برادر عزیزم، بیشک روزه این درس را به ما می‌دهد که به خواست خداوند ما توانایی چیره‌گشتن و غلبه بر خواهشات خود را داریم.

آیا آنها را دیده‌ای؟ (کاروان نیکان)

آیا هیچ شده است که به مسجدی از مساجد بروی که خداوند امامی با آوازی بسیار زیبا و گیرا نصیب آن کرده، و مجموعه‌ای از جوانان خوب را می‌یابی که عزم بر آن بسته اند پیش روی خداوند به نماز ایستند، اگرچه تا سحر نیز به درازا کشد، در زمانی که برخی اصلاً نماز جماعت را ترک کرده اند؟ و اگر در دهه آخر رمضان بیایی بجز اندکی کسی دیگر نمی‌یابی، زیرا برای حصول اجر و ثواب چند برابر و موفرت گناهان به سوی خانه خدا شتافته اند، در وقتی که برخی دیگر این شب‌ها را با چیزهایی می‌گذرانند که بر تو پوشیده نیست، چه می‌شود اگر همین جوان که کاری جز خیابان‌گردی و گشت و گذار در بازارها را ندارد از خود بپرسد: مگر نمی‌شود که من هم یکی از این جوانان با خدا شوم آنها چگونه کامیاب گشته اند، در حالیکه در همین مجتمع بسر می‌برند آنها نیز خواهشاتی دارند و بازدارنده‌ایی و من نیز خواهشاتی و بازدارنده‌ایی؟.

آیا توانایی آنها را ندارم؟ آنها توانستند و تو چرا...؟/

خواستن توانستن است

* برادر بزرگوار، جوانان بسیاری در جاده انحراف و راه غفلت بوده اند، و مرتکب کارهایی شده اند که غیر آنها نیز انجام داده اند، سپس به پاس و منت خداوند هدایت یافته و حالت‌شان تغییر کرده و به قافله صالحان و فرمانبرداران پیوسته اند.

* و شاید بعضی از آنها دوست و رفیق تو بوده اند، پس چگونه این گروه از این مانع عبور کرده اند و بقیه ناکام مانده اند؟ چرا اینها توانسته اند توبه کنند و غیر آنها خیر؟ نزد بسیاری از جوانان چیزی که آنها را از توبه و دینداری باز می‌دارد ناباوری و ضعف ایمان نیست، بلکه احساس عدم توانایی در تغییر و تحول

است، و آیا این مثال‌ها نمونه‌ای زنده برای وی نیست، و عدم توانایی خیالی ساختگی نیست؟

پیش از این که این گل پژمرده گردد:

* برادر جوان! لابد آن که پشت خم کرده و عصا پای سوم وی گردیده و نشانه‌های گذشت زمان بر چهره اش هویداست را دیده‌ای، آیا گمان می‌کنی که چنین دنیا آمده؟ یا این که روزی چون تو نیرومند و چابک بوده است، آیا نمی‌دانی که روزی من و تو نیز اگر زنده بمانیم به این حالت خواهیم رسید، و چه سخت است روزی که این طراوت و زیبایی رخت بربندد و این هیجان و نشاط رو به زوال نهد.

پس برادر عزیز، چه می‌شود اگر فرصت گرانبهای جوانی را غنیمت شمرده و پیش از آن که آن را از دست داده و پشیمان گردیم، آن را در طاعت و عبادت بگذرانیم.

جوانی را چگونه گذرانده‌ایی؟

* برادر گرامی! بیگمان این گفته پیامبر اکرم ص را شنیده و یا به یاد داری که فرموده اند: «روز قیامت دو پای بنده از جای خود تکان نخواهد خورد، پیش از آن که از چهار چیز سؤال شود: از عمرش در چه چیز آن را گذرانده است، و از جوانی اش چگونه آن را صرف نموده، و از مالش که آن را از کجا بدست آورده و در چه چیز آن را خرج کرده است». [روایت ترمذی]

* برادر عزیز، بیا و در حقیقت امروز خود نیک بیندیشم آیا پاسخی قانع کننده و نجات‌دهنده برای سؤال «جوانی را چگونه گذرانده‌ایی» پیش روی کسی که هیچ چیز از نظر او پنهان نبوده و نیست، داریم؟ و آیا با این حالت کنونی خود و عمر جوانی آمادگی گذراندن این امتحان را داریم؟ پس چرا این فرصت بی‌مثال را غنیمت نشمرده و برای امتحان دشوار آن روز آماده نشویم؟.

*** هفتمین هفت رستگار**

* پیامبر اکرم ص خبر داده اند: روز قیامت خورشید به اندازه میلی به خلائق نزدیک می شود، و سختی و مشقت و عرق به بالاترین حد خود خواهد رسید، و در آن روز کسانی هستند که از نعمت سایه خداوندی و نوازش وی برخوردار می شوند، از آن جمله: «جوانی که در طاعت و عبادت خداوند عزوجل پرورش یافته». پس چه چیزی مانع از آنست که تو نیز یکی از آن گروه رستگار شوی؟ و چه چیز میان تو و رسیدن به این شرف عظیم حائل است؟ پس به خود بیا و راه درست را اختیار کن، و از این ماه مبارک و این فرصت گرانبها وسیله ای برای رسیدن به این منزلت بساز. چه با ارزش و گرانبهاست آنچه که در این ماه مبارک تقدیم می کنی!.

* **برادر جوان!** بیگمان دیده و یا می بینی که احوال بسیاری از مردم در این ماه تغییر یافته، می بینی که مساجد از نماز گذاران و تلاوت کنندگان قرآنکریم پر گشته، و اماکن مقدسه مملو از طواف کنندگان و معتکفان است و اموال در راه های خیر سرازیرند، یکی به نماز مشغول و یکی به تلاوت و یکی دست به دعا برداشته، و دیگری در راه خدا اتفاق می کند.

* پس کجاست جایگاه تو در میان همه اینها؟ آیا هیچ جایگاهی برای خود در این نقشه جسته ای؟.

آیا عملی افضل تر و دست آوردی بهتر از توبه نصوح و اعلان آمادگی همسفر شدن با کاروان نیکان سراغ داری پیش از آن که اجل فرا رسیده و دنیا را برای همیشه وداع گویی، پس آیا این هدف را در این ماه مبارک مدنظر قرار داده ای، در حالیکه بخواست خداوند توانایی آن را داری؟.

توبه و موعده موهوم

* بسیاری از جوانان به اشتباه بودن راهی که می پیمایند قانع اند، و آرزو می کنند که آن را تغییر دهند و دنبال فرصت می گردند، تا این که یکی از خویشتاوندانش بمبرد و یا او دچار حادثه ای عبرتناک شود که او را تکان دهد و به توبه وادارد. و لیکن از کجا معلوم که آن میت خود او نباشد و دیگران از وی عبرت گیرند؟ و این همان حادثه ای بود که انتظارش را می کشید تا توبه کند، و لیکن این حادثه

خود به زندگی اش پایان داد. برادر جوان! انسان در دنیا یک فرصت بیش ندارد و نباید خود را در آن به مخاطره انداخت.

پس آیا اکنون تصمیم گرفته ایم که توبه کرده و راه راست و درست را بپیماییم؟.

بدون شک این تصمیم و اراده بر نفس بسیار دشوار و سخت می آید، و نیاز به شکیبایی و تحمل پیامدها و از خودگذشتگی دارد، لیکن به خواست خداوند انجामी نیکو و ثمربخش دارد.

مکتبة الأنصار

برای اولین بار در شارجه با دهها عنوان
کتاب فارسی نوارهای سخنرانی به زبان
فارسی روزنامه‌ها و مجلات ایرانی در
خدمت فارسی‌زبانان گرامی.

آدرس ما: شارجه – دوار الساعة

جنب محكمة الإستئناف.